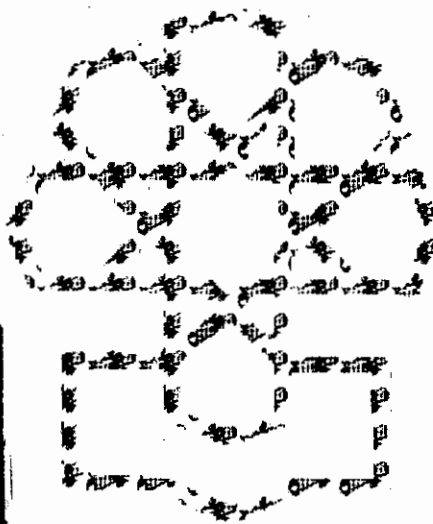




# درباره لایحه نظام مهندسی و کنترل ساختمان



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی  
کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع‌رسانی مجلس  
شماره: ۷۲۵۲  
تاریخ: ۷۲/۱۰/۱۵

معاونت پژوهشی  
شهریور ماه ۱۳۷۴

کار: دفتر بررسی‌های حقوقی

کد گزارش: ۲۰۰۰۸۸۲

نظام مهندسی و کنترل ساختمان

عنوان لایحه

شماره ترتیب چاپ: ۱۶۰۵  
شماره چاپ سابقه: —  
شماره دفتر ثبت: ۵۰۹  
تاریخ چاپ: ۱۳۷۴/۵/۸  
کمیسیون‌های ارجاعی: مسکن و شهرسازی و راه و ترابری،  
کار و امور اجتماعی، امور قضایی و حقوقی، شوراها و  
امور داخلی کشور، امور بازرگانی و توزیع،

مشخصات لایحه

رشد بی‌رویه و حجم رو به ازدیاد جمعیت کشور، ایجاد سطوح ساختمانی و شهری وسیعی را در حال و آینده مطرح کرده و می‌کند. از سوی دیگر، نبود یک نظام مشخص و سازمان یافته ناظر بر فعالیتهای عمرانی در شهرها موجبات ایجاد نابسامانیها و مشکلات فراوانی را پدید آورده است. از جمله این مسائل می‌توان به تخریب محیط زیست، استاندارد نبودن ساخت و سازها و عدم رعایت اصول فنی و امکان وارد آمدن خسارات در صورت بروز هرگونه خطر یا مشکل احتمالی، عدم تأمین محیط زندگی مطلوب برای بسیاری از ساکنین شهرها به لحاظ عدم توجه به اصول، استانداردها و ضوابط ساختمانی، معماری و شهرسازی، ایجاد آلودگیهای مختلفی چون آلودگی آب، آلودگی صدا و آلودگی محیط اشاره کرد.

با توجه به این مسائل، تدوین یک نظام مهندسی پویا، قوی و مستقل در زمینه‌های ساختمان، معماری و شهرسازی به منظور نظم و سازماندهی به فعالیتهای اقدامات مهندسی و تخصصی و حرکت به سمت ایجاد محیطهای خصوصی و عمومی مطلوب برای زندگی و تأمین رفاه، آسایش و امنیت مردم، ضرورت تام دارد. به همین منظور لایحه پیشنهادی «نظام مهندسی و کنترل ساختمان» که با ادعای «حمایت از مردم به عنوان مصرف کنندگان و بهره‌برداران از ساختمانها و فضاهای شهری و ابنیه و مستحذات عمومی و حفظ و افزایش بهره‌وری منابع مواد و انرژی و سرمایه‌های ملی در این بخشها» ارائه شده، در این گزارش مورد بررسی قرار گرفته است.

لایحه نظام مهندسی و کنترل ساختمان طی نامه شماره ۶۲۷۴۳ مورخ ۷۴/۴/۲۰ از طرف رئیس جمهور به ریاست مجلس شورای اسلامی ارائه شده است. در متن نامه آمده که «لایحه نظام مهندسی و کنترل ساختمان که بنا به پیشنهاد وزارت مسکن و شهرسازی در جلسه مورخ ۷۴/۴/۷ هیأت وزیران با قید یک فوریت به تصویب رسیده است، مجلس طی تشریفات قانونی به پیوست تقدیم می‌شود». همچنین در صفحه ۲ لایحه مذکور در مورد سابقه آن گفته شده که: «با توجه به اینکه به موجب قانون تمدید مهلت اجرای قانون نظام مهندسی ساختمان - مصوب ۱۳۷۳ - قابلیت اجرای قانون یاد شده در تاریخ ۱۳۷۴/۷/۳ به پایان می‌رسد و با عنایت به آشکار شدن اشکالات و نارساییهای قانون مذکور و به منظور برطرف نمودن موارد نقص و ابهام آن با بهره‌گیری از تجارب حاصل شده، لایحه زیر برای طی تشریفات قانونی تقدیم می‌شود». بی‌شک چنین لایحه‌ای در جهت حرکت به سمت تأمین اهداف خود و در راه جوابگویی به انتظارات مردمی و تخصصی از آن، از یک سو می‌بایست در قالب سیاستها و موازین کلی عمل کرده و از سوی دیگر، به طور کامل، دقیق و جامع به زیربخشهای خود توجه داشته باشد. هدف این گزارش بررسی دیدگاهها و موارد مطرح شده در لایحه مذکور و ارائه نقطه نظرات کارشناسی به منظور رفع موارد ابهام و اشکالات آن است. همچنین لازم به ذکر است که بافت نظام مهندسی، بافتی صنفی است و نه دولتی. در این قبیل موارد میزان دخالت دولت در امور، لازم است کاهش یابد تا از این طریق نظام مهندسی بتواند به نحو مستقل و مؤثر در زمینه تخصصی خود اظهار نظر و فعالیت نماید. نظارت بیش از حد دولت بر این قبیل مجامع و کاهش میزان استقلال آن، موجب عدم استقبال عمومی از مجامع دولتی خواهد شد.

الف - دیدگاهها و مسائل کلی

در این قسمت مواردی مطرح خواهد شد که در سطحی فراتر از مسائل داخلی لایحه نظام مهندسی و کنترل ساختمان وجود خواهد داشت. رئوس کلی این مسائل به شرح ذیل است:

- در لایحه مذکور مشارکتهای مردمی و فعالیت بخش خصوصی به صورتی که به نظام مهندسی و کنترل ساختمان ماهیتی مستقل و پویا بدهد، ضعیف انگاشته شده است. این امر منجر به واکنش نامناسب مجامع تخصصی و فنی بین المللی نسبت به این امر خواهد شد.

هر چند که جهت حرکت دولت محترم به نوعی به سمت افزایش مشارکتهای مردمی و فعالیت بخش خصوصی است، اما در این لایحه، این نقش بسیار ضعیف دیده شده و به این بُعد قضیه توجه مناسب نشده است. در نتیجه، می توان موارد مطرح شده در لایحه را با سیاستهای عمومی دولت مبنی بر مشارکت فعال بخش خصوصی و مردم، ناهمخوان تلقی کرد.

- در لایحه مذکور به مسائل و روابط حقوقی و پیامدهای قانونی تبدیل شدن بسیاری از موارد یاد شده در لایحه به صورت قانون و وجود تناقض و ناهمخوانی بعضی از مواد لایحه با وظایف قوه های مجریه، مقننه و قضائیه، توجه نشده است. توضیح آنکه در لایحه نظام مهندسی و کنترل ساختمان - همانطوری که در قسمت بعدی مشروحاً خواهد آمد - تکیه بیش از حدی به وزارت مسکن و شهرسازی شده است. با توجه به این موضوع، اگر این لایحه تکیه بیشتر بر قوه مجریه دارد، پس ارتباط آن با سایر قوا بسیار نارسا و تعریف نشده است. البته تکیه بیش از حد در نظام مهندسی و کنترل ساختمان بر دخالت و اعمال نظر وزارت مسکن و شهرسازی جای سؤال دارد.

- در لایحه مذکور نقش و جایگاه سازمانها و نهادهای موجود و مرتبط با مواد لایحه (مانند سازمان برنامه و بودجه) دیده نشده و به ارتباطات عمودی بین آنها و لایحه توجه نشده است. این امر به ایجاد درگیری و اصطکاک و تداخل وظایف و فعالیتها بین نهادها و سازمانهای ذی ربط و سازمان نظام مهندسی منجر خواهد شد.

- ارتباط سازمان نظام مهندسی و کنترل ساختمان در لایحه مذکور با جوامعی چون جامعه مهندسیین مشاور، جامعه دانشگاهیان، انجمنهای صنفی تخصصی و سایر جوامع علمی و تخصصی نامشخص است. آنچه که قابل توجه است، عدم تمایل بسیاری از کارشناسان و اشخاص حقیقی و حقوقی به عضویت در نظام مهندسی است. بی شک ضعف در محتوای لایحه است که موجبات عدم جذب را فراهم می سازد. در کنار آن می بایست به عدم توجه به نقش و جایگاه و ارتباط اشخاص حقوقی در لایحه اشاره کرد. نکته آخر در این قسمت اینکه در این لایحه استفاده مؤثر و وسیع از نظرات سازمانها و اشخاص صاحب نظر نشده و لایحه مذکور نتیجه بحث و تبادل نظر مستقیم بین اعضا نیست. در حقیقت، بنا بر اقرار دست اندرکاران، فرصت کافی برای این امر نبوده است. در ثانی افراد، شخصیتها و مجامع بسیاری مایلند که نقطه نظرات خود را در این زمینه مطرح نمایند.

## ب- مسائل محتوایی لایحه

در این قسمت برخی مسائل قابل طرح در رابطه با مواد مطرح شده در لایحه بیان شده است. بی شک طرح تمامی مسائل و اظهار نظر کارشناسانه بر روی آنها نیازمند وقت و امکانات بیشتری است.

- در صفحه ۲ لایحه هدف از ارائه آن، رو به اتمام بودن مهلت اجرای قانون نظام مهندسی ساختمان مصوب سال ۷۲ در تاریخ ۷۴/۷/۳ و همچنین آشکار شدن اشکالات و نارساییهای قانون مذکور و در نهایت بر طرف نمودن موارد نقص و ابهام آن با بهره گیری از تجارب حاصل، عنوان شده است. آنچه قابل ذکر است وجود ابهاماتی در لایحه پیشنهادی است که مشکلات بسیاری را در صورت تصویب ایجاد خواهد کرد. چرا که موارد مطرح شده ادا کننده حق مطلب نبوده و باعث ایجاد مشکل می شود.

- در لایحه آنچه که به عنوان هدف مطرح شده (یعنی حمایت از مردم) با محتوای لایحه که نقش مشارکتهای مردمی و بخش خصوصی را محدود کرده، منافات دارد. این مسأله در عدم شمول نظارت نظام مهندسی و کنترل ساختمان بر سازمانهای دولتی نیز مصداق دارد.

- در لایحه حاضر در مورد شخصیت سازمان صحبتي به میان نیامده و گفته نشده که نظام مهندسی نهاد مستقل، دولتی، یا وابسته به دولت است؟ همچنین در لایحه مذکور مشخص نشده است که نقش و جایگاه وزارت مسکن و شهرسازی در این زمینه چیست و ارتباط آن با سازمان چگونه است؟ در صورتی که وزارت مسکن و شهرسازی در این زمینه وظایف و اختیاراتی دارد، لازم است که عطف به مصوباتی بدهد که به این نکته اشاره شده و ارتباط آن با نظام مهندسی و کنترل ساختمان مشخص شود. همچنین قید وظایف وزارت مسکن و شهرسازی به صورت مستقل در مواد لایحه (مانند مواد ۳، ۲، ۲۲، ۲۴ و ۲۶) از یک سو استقلال نظام مهندسی و کنترل ساختمان را زیر سؤال برده و از سوی دیگر، نفوذ و اعمال نظر و دخالت بیش از حد وزارت مسکن و شهرسازی را غیر قابل توجیه می نماید.

- نکته قابل توجه در لایحه از نظر قانون نویسی این است که مواد مطرح شده در لایحه فصل بندی و ترتیب لازم را نداشته و فاقد تقسیمات داخلی منظم است. به عنوان مثال، تبصره ۲ ماده ۶ دارای تقدم منطقی بر ماده ۳ است. حال با وجود ماده ۳، بیان ماده ۲ نیز زیر سؤال می رود. چرا که در ماده ۳ زمینه فعالیت افراد غیر صلاحیتدار در امور فنی و تخصصی، اما فعال در این زمینه، را فراهم می کند. مثال دیگر، مشخص نشدن وظایف نظام در متن لایحه است. در لایحه فقط وظایف بخشهای مختلف تعیین شده است. ماده یک نیز تنها به هدفهای نظام مهندسی و کنترل ساختمان اشاره کرده است. وجود چنین مواردی ایجاد ابهام و درک غلط از قانون را در پی دارد. همچنین با توجه به آنکه لایحه مشتمل بر مواد بسیاری است لازم است طی فصول جداگانه و عناوین مشخص، مواد تقسیم بندی شود.

- در لایحه، تعاریف مشخصی از رشته های مورد بحث و متخصصان و کارشناسان مرتبط با آنها و همچنین تقسیمات درون رشته ای آنها نشده و جایگاه هر رشته و رشته های وابسته به آن در بند ۱ مطرح نشده است؛ به ویژه که تبصره ماده ۱ قانون نظام مهندسی ساختمان (مصوب ۱۳۷۱) نیز مبنی بر «انطباق عناوین ارزشنامه های تحصیلی مختلف با چهار رشته مذکور و تعیین رشته های مرتبط با آنها توسط وزارت فرهنگ و آموزش عالی» در این لایحه حذف شده است.

- در متن لایحه بعضاً به بخشهای ساختمان و شهرسازی اشاره شده (برای مثال مواد ۱ و ۳) ولی اینکه هر رشته در برگیرنده چه مدارک و تخصصهایی است، معین نشده است. از آنجاکه بیشتر بر بخش ساختمان

تأکید شده و تخصصهای معماری را کمتر و شهرسازی را بعضاً مورد توجه قرار داده، با ماده ۱ لایحه ایجاد تناقض کرده است.

- در لایحه (ماده ۳) آمده که حدود اختیارات دارندگان مدرک صلاحیت حرفه‌ای توسط وزارت مسکن و شهرسازی تعیین می‌شود و قید شده که آن هم در برگیرنده تمامی امور فنی در بخشهای ساختمان و شهرسازی نیست. موارد سؤال و ابهام اینجا است که اولاً جایگاه نظام مهندسی و کنترل ساختمان در این ماده کجا و چگونه است؟ و ثانیاً تکلیف سایر امور فنی بخشهای ساختمان و شهرسازی چگونه تعیین شده است؟ - عضویت اشخاص حقوقی در نظام مهندسی و کنترل ساختمان مجاز شناخته شده است (ماده ۶)، اما نقش، جایگاه، حدود اختیارات و نحوه فعالیت آنها و نوع ارتباطشان با نظام مهندسی دیده نشده است. همچنین، در لایحه نظام مهندسی و کنترل ساختمان مشخص نشده که نظارت بر امور محوله به اشخاص حقوقی (شرکتهای سازمانها و مجامع) چگونه است؟ این نکته قابل ذکر است که رتبه‌بندی اشخاص حقوقی با سازمان برنامه و بودجه است و در لایحه حاضر نحوه ارتباط با این امر روشن نشده است. ماده ۳ نیز ناظر بر اشخاص حقیقی است و نه حقوقی.

نکته دیگر این که، تعداد قابل توجهی از مهندسان در شرکتهای مهندسان مشاور شهرسازی، معماری، ساختمانی و سایر رشته‌های وابسته، فعالیت دارند و تمایلی به عضویت در سازمان نظام مهندسی ندارند. از سوی دیگر، در لایحه حاضر عضویت اشخاص حقوقی بلامانع دانسته شده است. به این ترتیب شرکتهایی که دارای مهندسان بسیاری هستند در سازمان واجد یک رأی می‌باشند و هر مهندس حقیقی نیز دارای یک رأی می‌باشد. چنین وضعیتی سبب خواهد شد که شرکتهای تمایلی به عضویت در سازمان نداشته باشند. پس وظیفه، نقش و جایگاه شخص حقوقی به خوبی تعریف نشده است. این امر ضرورت بررسی گسترده‌ای را به منظور راهها و نحوه مشارکت و فعالیت اشخاص حقوقی در سازمان را آشکار می‌سازد. - به نظر می‌رسد که نظام مهندسی و کنترل ساختمان بر کار پیمانکاران و دست اندرکاران امور اجرایی بیشتر نظارت دارد. بنابراین تمایلی به ایجاد رابطه با فعالیتهای مشاوره‌ای از جمله طراحی و برنامه‌ریزی و مطالعاتی ندارد.

- نکته قابل توجه دیگر این است که شهرسازی حرفه‌ای است که به تنسيق امور اصلی و کلی شهر و برنامه‌ریزی برای هدایت و کنترل رشد و توسعه شهر می‌پردازد و شامل دو رشته برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری و رشته‌های وابسته چون برنامه‌ریزی و مهندسی حمل و نقل شهری، تأسیسات شهری، طراحی چشم اندازهای شهری، برنامه‌ریزی محیطی، جمعیت‌شناسی، جامعه‌شناسی شهری، جغرافیای شهری و اقتصاد شهری و سایر رشته‌های مرتبط با آن است. این لایحه نسبت به این رشته با گستردگی قابل توجه آن، عنایت لازمه را ندارد؛ هر چند که در ماده ۱ به طور نامفهوم به کلمه شهرسازی اشاره شده است. بی‌شک با وجود این همه متخصص شهرسازی در کشور نمی‌توان تنها معماران با ۱۰ سال سابقه کار شهرسازی را شهرساز به حساب آورد. بنابراین می‌بایست با همکاری گروههای ذی ربط (مانند دانشگاهیان، جامعه مهندسين مشاور، مجامع و اصناف شهرسازی، مهندسان مشاور، کارشناسان دولتی و آزاد و...) رشته شهرسازی، نسبت به تهیه نظام متخصصان و مهندسين شهرسازی کشور اقدام کرد. بی‌شک در این صورت روابط عمودی دو نظام ساختمان و شهرسازی با یکدیگر و با سایر مراجع مربوط می‌بایست دیده شود. ضرورت توجه خاص به نظام شهرسازی هنگامی آشکار می‌شود که بدانیم بارشده زیاد جمعیت کشور و نیاز

به ایجاد محیطهای شهری جدید و همچنین با توجه به مشکلات فزاینده شهرهای موجود، می‌بایست سازمانی قوی و مسلط به امور شهرسازی که غیر دولتی نیز باشد بر فعالیتهای شهرسازی از دیدگاههای علمی و استاندارد و مردمی (و نه به تنهایی از بعد اجرایی) نظارت و اعمال نظر کند. بی شک با قائل شدن هويت و اهمیت خاص برای گروه شهرسازی، انتظام بیشتری به فعالیتهای شهرسازی در سراسر کشور بخشیده خواهد شد؛ چراکه این فعالیتهای در حال حاضر توسط سازمانهای دولتی، تعاونیها، اشخاص، شرکتهای شهرسازی و ساختمان سازی، سازمانهای عمرانی، مهندسين مشاور شهرسازی رتبه بندی شده، ثبت شده و یا دارای پروانه اشتغال به کار و ... به صورتهای برنامه ریزی، طراحی و یا اجرا صورت می‌پذیرد. - اگر نگرش لایحه مذکور را به تمامی رشته‌ها یکسان بدانیم، باید گفت که مهندسان ساختمان، معمار و شهرساز، در جامعه به فعالیتهای مختلفی در شرکتهای پیمانکاری، دانشگاهها، مهندسان مشاور، ادارات دولتی و ... اشتغال دارند. در لایحه مذکور نگرش بین رشته‌ای اعمال نشده و مشخص نشده که یک عضو نظام مهندسی حافظ منافع چه گروه یا قشری باید باشد. همچنین مشخص نشده که چگونه باید تمامی این گروه‌ها را با فعالیتهایشان زیر پوشش آورد.

- در ماده ۱۳ آنچه که به عنوان «اهم وظایف و اختیارات هیأت مدیره» بر شمرده شده، به نظر می‌آید که همان وظایف سازمان است. اگر چنین است باید این موارد در جای خود یعنی در اول لایحه مطرح شوند. با چنین فرضی، وظایف سازمان با وظایف وزارت مسکن و شهرسازی باید تفکیک و مقایسه شده و ارتباطات آنها مشخص شود. نکته قابل توجه دیگر در بندهای این ماده، خلط حدود وظایف است، چراکه به طور پراکنده موارد بسیاری را جزو وظایف آن مطرح کرده است که موارد نامفهوم نیز در بین آنها دیده می‌شود (مانند بند ۱۱ که گفته شده: «همکاری با مراجع استان در هنگام بروز سوانح و بلایای طبیعی»). و یا مثلاً در بند ۱ آمده که «ارائه خدمات کارشناسی فنی به مراجع قضایی و قبول داورى در اختلافهایی که دارای ماهیت فنی است». در این مورد باید گفت که ارائه خدمات کارشناسی به مراجع قضایی به عهده کارشناسان رسمی دادگستری است و نه نظام مهندس.

- در ماده ۱۸ آمده که «شورای مرکزی ۲۵ نفر عضو اصلی دارد که از بین اعضای هیأت مدیره سازمانهای استان معرفی شده و از سوی هیأت عمومی و توسط وزیر مسکن و شهرسازی برای مدت ۳ سال انتخاب می‌شود.» در دنباله در ماده ۲۰ نیز آمده که شورای مرکزی برای تعیین رئیس هیأت رئیسه شورا سه نفر را به وزیر مسکن و شهرسازی پیشنهاد می‌کند و وزیر یاد شده یک نفر را به عنوان رئیس شورای مرکزی - که رئیس سازمان نیز محسوب می‌شود - جهت صدور حکم به رئیس جمهور معرفی می‌نماید. به نظر می‌رسد این نحوه نگرش به نظام و محدود کردن بسیاری از اختیارات و تصمیم‌گیرها به نظر وزیر مسکن و شهرسازی، نشان دهنده عدم استقلال سازمان مهندسی و کنترل ساختمان است. در این زمینه اگر هم وزیر مسکن و شهرسازی چنین اختیاراتی را قانوناً دارد، باید در اینجا به آن اشاره شود. در غیر این صورت سازمان نمی‌تواند بیش از اندازه متکی به وزارت مسکن و شهرسازی باشد.

- در مورد اعضای شورای مرکزی گفته شده که باید علاوه بر عضویت در هیأت مدیره سازمان استان، خوشنام و دارای سابقه انجام کارهای طراحی یا اجرایی یا علمی و تحقیقی و آموزشی برجسته و ارزنده باشند. (ماده ۱۸) نکته قابل توجه در این ماده آن است که تخصصهای مذکور هر کدام جایگاه و نقش و اهمیت خود را داشته و می‌بایست لایحه در برگیرنده تمامی تخصصها در بین اعضای شورای مرکزی باشد.

- نکته دیگر اینکه موارد مطرح شده در مورد نظارت یا دخالت وزارت مسکن و شهرسازی در امور اصناف، با استقلال اصناف و تفویض اختیارات به آنها به منظور آزادی عمل در فعالیتهای تخصصی منافات دارد (ماده ۲۵).

- در ماده ۲۹ آمده که وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، نهادها، اداره‌های مهندسی نیروهای نظامی و انتظامی، شرکتهای دولتی و شهرداریها می‌توانند در ارجاع امور کارشناسی به جای کارشناسان رسمی دادگستری از مهندسان دارای پروانه اشتغال که با رعایت حدود صلاحیت و ظرفیت اشتغال به وسیله سازمان استان معرفی می‌شوند، استفاده نمایند. در این مورد به نظر می‌رسد با توجه به عواقب قانونی و حقوقی آن، نیاز به تعمق و بررسی بیشتری باشد.

- موارد شمول فعالیت و دخالت سازمان نظام مهندسی با توجه به هدفها و وظایف مطرح شده در متن لایحه با استثناهایی که برای بعضی از سازمانها و دستگاههای دولتی و وزارتخانه‌ها قائل شده منافات دارد (مانند ماده ۳۰ و ۳۵).

- در بسیاری موارد اختیارات و وظایف مشخص شده برای وزارت مسکن و شهرسازی با اختیارات سازمان نظام مهندسی و کنترل ساختمان تداخل دارد و در حقیقت نقش سازمانهای نظام مهندسی نادیده انگاشته شده است (مواد ۳۳ و ۳۵). اگر اختیارات وزارت مسکن و شهرسازی در قوانین مربوط به خود مشخص و معین است، لزومی ندارد که اختیارات آن را در قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان مطرح کرده یا گسترش داد.

- در نهایت می‌توان گفت که در شرح وظایف و اختیارات سازمان نظام مهندسی و کنترل ساختمان ضمن تأکید بر وابستگی شدید به وزارت مسکن و شهرسازی، ارتباط آن با سازمانها، جوامع و نهادهای مرتبط به خوبی دیده نشده است. بی‌شک موارد بالا از پویایی، استقلال و مردمی بودن نظام مهندسی و کنترل ساختمان جلوگیری می‌کند.

#### **پ - پیشنهاد کلی و نهایی**

از آنجا که متن لایحه نظام مهندسی و کنترل ساختمان نیازمند بررسیها و اصلاحات و تجدید نظرهای بسیاری است، به نظر می‌رسد که لازم باشد قانون قبلی مجدداً برای مدت ۶ ماه تا یک سال دیگر تمدید گردد و یک قانون فراگیر، کامل و جامع و در برگیرنده منافع گروههای ذی‌حق، برای نظام مهندسی ساختمان و معماری از یک سو و از سوی دیگر برای نظام مهندسی شهرسازی تدوین گردد. در این صورت ضرورت دارد که ضمن تشکیل گروههای تخصصی، نقطه نظرات و پیشنهادهای تمامی گروهها، مجامع و اشخاص ذی‌صلاح بررسی و در صورت دارا بودن توجیه کافی در متن لایحه گنجانیده شود.

